



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

# برخورد(مواجهه) با مشکلات ناهمگن (نامتجانس) و برآورد(تخمین) اثرسببی

## (علی) در تحقیق کارآفرینی

### خلاصه

این مقاله با استراتژی های برآورد اثرسببی در زمینه های تجربی بسیار ناهمگن همانند کارآفرینی در مواجهه است. ما استدلال می کنیم که استفاده شفاف تر از ابزار مدرن توسعه یافته در مواجهه با برآورد اثرات سببی در ترکیب با تجزیه و تحلیل ما از منابع مختلفی از ناهمگنی ها در کارآفرینی می تواند منجر به کارآفرینی با اعتبار داخلی بیشتر شود. ما خصوصا و ما دار حمایت از منطق خلاف و پژوهش مدرن از استراتژی های برآورد برای تخمین اثرات سببی هستیم.

### خلاصه اجرایی

کارآفرینی در بسیاری از اشکال و فرم ها می آید که توسط حوزه گسترده ای از انگیزه ها و در تنوعی از زمینه ها به حرکت و جنبش در می آید. در حالیکه این ناهمگنی منجر به ایجاد جذابیت کارآفرینی می شود و همچنین باعث می شود آن برای محققان کارآفرینی بسیار چالش برانگیز باشد تا به نتایج قوی و معتبری در خصوص روابط سببی برسیم. ایجاد تجربیات از داخل و برون تحقیقات کارآفرینی در این مقاله یک بحث یکپارچه از استراتژی ها را برای مواجهه با مشکل ناهمگنی با کاربرد خاص در حوزه کارآفرینی و برآورد اثرات سببی ارائه می دهد. خصوصا در مواجهه با این سه مشکل: (1) عدم تجانس مشاهده نشده: متغیرهای اندازه گیری نشده یا غیرقابل دسترس که ممکن است روابط برآورد شده را تحت تاثیر قرار دهد. (2) عدم تجانس سببی: به عنوان مثال، ساختار قدرت، جهت یا شکلی از روابط که ممکن است در زیرگروه ها از جامعه مورد مطالعه تغییر کند. (3) اعتبار نابرابر: به عنوان مثال اعتبار عملیات انتخاب شده ممکن است توسط زیرگروه ها یا زمینه و محتوا تغییر کند.

ما بحث می کنیم که چگونه این مشکلات می تواند در مراحل مختلف فرآیند تحقیق به عنوان مثال از طریق تئوری و نظریه پردازی در انتخاب یک طرح برای مطالعه (از جمله نمونه پردازی) به ترتیب در مرحله عملیاتی و از طریق رویکردهای انتخاب شده برای تجزیه و تحلیل کاهش یابد. ما هر بخش را با توصیه های خلاصه شده نتیجه گیری

می کنیم که می بایستی به مطالعات قوی تر طرح های پژوهشگران کارآفرینی و رسیدن به نتایج معتبرتر از مجموعه داده های موجود کمک کند. در ادامه، ما مثال هایی از مطالعات کارآفرینی را بیان می کنیم.

## 2. مقدمه

این مقاله در مورد مواجهه با استراتژی های برآورد اثرسببی در زمینه های تجربی بسیار ناهمگن همانند کارآفرینی است. سرمایه گذاری تجاری توسط افراد و تیم با پیشینه و انگیزه های مختلف آغاز شده است که اهداف مختلفی را بر اساس ایده های تجاری باکیفیت ذاتی بسیار متغیر در محیط ها دنبال می کند که همچنین تنوع فوق العاده ای را نشان می دهد. جنبه های خاصی از این تنوع و ناهمگنی بزرگ، جزء ویژگی های مهم، اساسی و نظری جالبی از پدیده کارآفرینی است. (الوارز و بوسنیس، 2001 و دیویدسن 2004) گذشته از این، بخش بزرگی از توانایی های ما این است که از هنجارها به روشهای جدید و غیرمنتظره محرف شویم که باعث ایجاد جذابیت سرمایه گذاری های در حال رشد، جدید و از نظر مالی موفق می شود.

با این حال، تنوع زیادی باعث می شود که برای محققان دشوار باشد تا به استنتاج سببی معتبر برسند و مطالعات تلاش می کنند توسط دربرگیری تمام واریانس ها چندبعدی در یکبار در معرض ریسک بودن بعد از رسیدن به نتایج ضعیف و گیج کننده، منعکس کننده واقعیت ها باشد. به طور مشابه، مطالعات به طور ظاهری سوالات مشابه را با استفاده از نمونه های مختلف، رویکردهای آنالیز و یا عملیاتی مخاطب قرار می دهد که ممکن است به نتایج متناقض برسند. در طول سال، این موضوع به این ناامیدی منجر شد که کارآفرینان به نظر می رسد که از تجمع سرپیچی می کنند. (لاو و مک میلان، 1988) ما در حال گرفتن قطعات بازی بیشتری هستیم اما هیچ تصویری استخراج نمی شود. (کوپل و مینی تی، 2003) در این مقاله ما از ناهمگنی و عدم تجانس به عنوان یک اصطلاح حفاظتی (چتری) برای تنوع همزمان در امتداد 3 بعد مختلف استفاده می کنیم که باعث می شود آن چالشی باشد تا به اندازه کافی اندازه گیری هایی را به صورت تئوری ایجاد کند و به درستی آن را شکل دهد و طراحی کند و روابط سببی را برآورد کند و آن را تخمین بزند. تعدد عوامل به ناهمگنی و عدم تجانس شکل کمک می کند. آنها 1) ناهمگنی مشاهده نشده 2) ناهمگنی سببی 3) اعتبار نابرابر یا افتراقی هستند.

در حالی که همه زمینه های علمی می بایستی تا حدی با مسائل و مشکلات ناهمگن و عدم تجانس مواجه شوند، دلایل متعددی وجود دارد که چرا آنها از اهمیت ویژه ای برای تحقیق کارآفرینی برخوردارند. نخست، پدیده به

خودی خود ممکن است ناهمگن باشد برای اینکه آن مربوط به افراد، صنایع و سرمایه گذاری در حال ظهور است. در مراحل پیچیده تری از توسعه، نیروی بازار (لاولس و تگاردن، 1991) یادگیری (جووانویچ، 1982) و فشار سازمانی (هنریک سون 2007) تمایل به محدود کردن طیف وسیعی از تنوع همراه حداقل برخی از ابعاد دارند. دوم با توجه به هزینه و مشکل به دست آوردن اطلاعات اولیه در چنین پدیده هایی در حال ظهوری، محققان ممکن است آن را تبدیل به داده های آرشو شده ای کنند که تمام متغیرهای مورد نیاز را در بر نمی گیرد تا از مشکلات جدید متغیرهای حذف شده، جلوگیری کند. سوم، در حوزه چند رشته ای از تحقیقات کارآفرینی، هر نظریه یارشته بر مجموعه خاص خودش از متغیرها و نادیده گرفتن دیگران تاکید میکند. (آکس و آدرچ، 2003، ایرلند و ب، 2007)، جذب بخشی از آنچه می تواند مجموعه متحدی از نظریه در نظر گرفته شود (آثار تجربی مرتبط) در سراسر طیف وسیعی از زمینه ها می تواند به طور جدی منجر به تعبیر نادرست تئوری و نتایج شود. خیلی از نتایج ممکن است فقط تحت فرض تئوری خاص در محتوا و زمینه های تجربی خاص معتبر باشند.

از این رو ایجاد یک حوزه یکپارچه از دانش برای کارآفرینی به عنوان اینکه همراه با ریسک های قابل توجه است، مهم می باشد. این مقاله یک حساب کاربری یکپارچه از شکل ناهمگنی مربوط به استراتژی های برآورد اثر سببی را ارائه می دهد؛ همانطوری که خودش از طریق یک فرآیند تحقیقاتی کلی و در یک زمینه کارآفرینی ارائه می شود. ما مشاوره هایی را بر اساس تجربه از داخل و خارج تحقیقات کارآفرینی پیش نهاد می دهیم. ما همچنین یک نقطه ورود برای محققان کارآفرینی به حوزه های تخصصی تر را ارائه میدهم که جنبه های خاص عمیق تر از مشکلات ناهمگنی را از چشم انداز انضباطی خاص پوشش می دهد اما بدون ادغام یا کاربرد کارآفرینی (همانند هوسمن و تیلور، 1981؛ روسن بام، 2005 و شوگان، 2006) ما چنین کمکی را که به موقع است باور داریم، برای اینکه شواهد نشان میدهد که در حال حاضر "عاقبت نهایی" بورس کارآفرینی با مشکلات ناهمگنی و استنتاج سببی برای شناسایی مشکل به مبارزه بر می خیزد. (شین، 2006) علاوه بر آن، ما کارشناسی روش ها را با احساس مشکلات عدم تجانس معمول از تحقیق کارآفرینی ارائه می دهیم. در نتیجه، تسهیل کننده ایجاد کمک اضافی اشان به افزایش پیچیدگی در این حوزه است.

مباحث امان را به شرح زیر سازماندهی می کنیم. در بخش بعدی ما انواع مختلفی از مشکلات عدم تجانس را که می تواند ایجاد شود، از قبل تعیین می کنیم و اینکه چرا این یک چالش خاص را برای برآورد اثرات سببی فراهم

می کند. ما سپس در مورد راه حل مشکلات ناهمگنی از طریق استفاده از تئوری و نظریه پردازی، بحث می کنیم. ما بحث را توسط پرداختن به ملاحظات ناهمگنی در مرحله طراحی که شامل استراتژی نمونه برداری است، ادامه می دهیم. بعد از یک بحث که چگونه ناهمگنی مرتبط با عملیاتی کردن است، ما نیمه دوم مقاله را به راه حل های مختلف اختصاص می دهیم که می تواند موقع تجزیه و تحلیل داده ها به کار گرفته شود.

اگرچه ما به طور کمی وقوع مشکلات ناهمگنی و راه حل های خاص آن را در تحقیقات کارآفرینی منتشر شده مرور نمی کنیم. ما در سراسر مقاله، استفاده از مرور روش های قبلی را ایجاد می کنیم. ما همچنین بیاناتی را ارائه می دهیم از اینکه چگونه مطالعات کارآفرینی ایجاد شده به طور موفقی در مواجهه با مسائل ناهمگنی است که ما آن را به وجود آورده ایم.

### **3) ناهمگنی (عدم تجانس) و برآورد اثرسببی**

اغلب مطالعات پژوهش های اجتماعی، چه کمی و چه کیفی، به طور صریح یا حداقل به طور ضمنی در مواجهه با روابط سببی است (کینگ، کوآهان و ووربا، 1994) کارآفرینی، قاعده مستثنی ای نیست همانطوری که برای مثال توسط شین و ونکاتارامان بیان شده است، 3 سوال اصلی برای تحقیق کارآفرینی است.

محققان کارآفرینی یک چیز جالب را ایجاد کرده اند در درک اینکه چه ویژگی های شخصی باعث استخدام و به کارگیری، فشار و موفقیت فردی در فعالیت های شروع تجارت می شود. (دیویدسن و هوینگ، 2003) متناوبا و به روش دیگر، آنها توضیحاتی را برای سطوح مختلف نوآوری در ویژگی های سازمان (کلیف، دوروکس - جرینگ، گرین وود، 2006) همانند شرایط محیط اولیه اش، جستجو می کنند. (مایلات، 1998) در موارد دیگر هنوز آنها ممکن است بخواهند تا درک کنند چگونه شرایط موسسات ملی بر سطوح زمینه های فعالیت کارآفرینی در میان کشورها، تاثیر می گذارد. (هن کرسون، 2007)

این مثال ها مرتبط با چگونگی یک یا بیشتر شرایط یا عوامل (متغیرهای تبیینی) که باعث یک یا چند نتیجه می شود (متغیرهای وابسته) به منظور نشان دادن نوع مشکلات ناهمگن در چنین پژوهشی، ما می توانیم با یک مدل ساده نمایش داده شده در شکل 1 شروع کنیم. در این شکل X نشان دهنده ساختار تئوری است که تاثیر آن این است که بر متغیرهای وابسته ارزیابی شود. به عنوان مثال، ساختار تئوری Y. عملیاتی کردن این ساختارها به ترتیب

توسط  $X'$  و  $Y'$  نشان داده شده است. پیکان و فلش توپر از  $X$  به  $Y$  نشان دهنده روابط درست بین ماهیت تئوری است در حالی که فلش نقطه چین بین

$X'$  و  $Y'$  بیان کننده تخمین های به دست آمده در تحقیق است (باخاراخ، 1989) ما ممکن است فکر کنیم که  $X$  به عنوان متغیری است که تاثیر سببی بر  $Y$  دارد که ما سهم تئوری به آن داریم. اگرچه به منظور جلوگیری کردن از تاثیر انحراف ناهمگنی، می خواهیم که دیگر متغیرها را در  $X'$  در برگیریم.  $Z$  بیان کننده متغیری است که در سهم تئوری نیست همانطوری که بی توجهی به آن ممکن است منجر به تصویر مغرضانه از رابطه  $Y \rightarrow X$  شود. برخی از متغیرهای  $Z$  ممکن قابل اندازه گیری و قابل دسترس باشند و در نتیجه ممکن است شامل  $X'$  شوند در حالی که دیگر متغیرهای  $Z$  ممکن است واقعا غیر قابل مشاهده باشند. در وضعیت نشان داده شده توسط شکل 1 مجموعه ای از مسائل ممکن است منجر به ضعیف تر شدن و یا کمتر شدن تبیین درست از  $Y$  از آنچه مورد انتظار است، شود. بعضی از این مسائل این ها هستند: (a) واریانس کمتر تبیین شده در  $Y'$  به دلیل حذف  $Z$  (b) واریانس کمتر تبیین شده در  $Y'$  به این دلیل که علیت احتمالی است (به طور غیریکنواخت در میان افراد مطالعه شده است) (به عنوان مثال، به طور ناقص منظم است؛ سی اف، یانگ، 2006) (c) واریانس کمتر تبیین شده در  $Y'$  و تحت اثر تخمین  $X$  به واسطه اعتبار و قابلیت اطمینان که به طور کم و غیریکنواخت در  $X'$  و یا  $Y'$  ویا هر دو است (خطای اندازه گیری زیاد) ویا (d) برآورد غیر قابل اعتماد از تاثیر متغیرهای  $X$  فردی که به علت همبستگی بالا در  $X$  است. اگرچه، هیچ یک از این مسائل از نمونه های انحراف سیستماتیک به دلیل ناهمگنی نیستند. در زیر ما بحث را به مسائل نوع دوم، محدود میکنیم.

1) مشکل ناهمگن مشاهده نشده (به عنوان مثال شوگان 2006) همچنین در زیر علامت بحث شده است همانند انحراف متغیر حذف شده (لی، 1982) و یا متغیرهای مداخله گر (کیش، 1987). این مشکل عدم تجانس و ناهمگنی مرکزی است که اگر  $Z$  همبستگی قابل توجه هم با  $X'$  و هم با  $Y'$  داشته باشد به استثنای  $Z$  منجر به انحراف و بایاس جدی در ضرایب خواهد شد و مشکل تشدید است اگر متغیر  $Z$  حذف شده همانطوری که در مدل است به طور سببی و علی مرتبط با  $X$  باشد سپس به طور ساختاری نامشخص می ماند. (2 را ببینید)

2) مشکل ناهمگن سببی: (به عنوان مثال وسترن 1998) مربوط به مفهوم شرایط مرزی (باخاراخ، 1989) و با وساطت و مدل سازی میانی به عنوان راه حل در موارد خاص (بارون و کنی، 1986) این مفهوم دلالت کننده بر شکل عمومی

تر از اثر  $X$  بر  $Y$  است که ممکن است در میان عناصر یا زیرگروه ها از افراد مورد مطالعه غیریکنواخت باشد. برای مثال اثر متغیر  $X$  ممکن است در زیرگروه های مختلف، متفاوت باشد؛ مشروط بر ارزش دیگر متغیرهای پیوسته  $X$  یا  $Y$  که به طور غیر مستقیم از طریق دیگر متغیر  $X$  تاثیر می گذارد.

(3) مشکل اعتبار نابرابر: جنبه های مختلف اعتبار نابرابر از این مسئله به طور خاص در تحقیقات میان فرهنگی تحت برچسب هایی همانند هم ارزی ساختاری، هم ارزی ابزاری، هم ارزی اندازه گیری و تغییر ناپذیری اندازه گیری هستند. (همانند پیرن و واتکینز، 2003، اسکافر و ریوردان، 2003 و سینگل، 1995) اگر رابطه  $X' \rightarrow X$  و  $Y \rightarrow Y'$  برقرار باشد به عنوان مثال اعتبار- نابرابر است آن به این معنی است که ساختار انتخاب شده و یا عملیاتی به طور مساوی مناسب برای همه زیر گروه های افراد نیست. همانطوری که  $Y' \rightarrow X'$  تخمین زده نخواهد شد که در آن این روش مصنوعی ممکن است به عنوان تفاوت های اساسی در ماهیت و شدت روابط به طور بدی تفسیر شود.

حضور همه جانبه از این مشکلات ناهمگنی ممکن است باعث شود که غیرممکن باشد تا یک مطالعه بی عیب و نقص از کارآفرینی را هدایت کند. اگرچه یک محقق به سختی تلاش نمیکند تا به آن برسد که ایده آل آن برای رسیده به یافته های معتبر و قوی در مورد پدیده بعید است.

در ادامه این مقاله، ما بحث خواهیم کرد که چگونه این منابع ناهمگن میتواند با تصمیم گیری های کلی رابطه با تئوری، طرح، عملیاتی کردن و تجزیه و تحلیل مواجه شود.

#### **4. مواجهه با عدم تجانس از طریق تئوری و نظریه پردازی**

تئوری معمولاً به عنوان "ساختارهایی متصل به یکدیگر توسط گزاره هایی که فرضیات مرتبط، منطقی، منسجم و اساسی دارد" و یا بعضی از تغییرات آن، تعریف می شود. (دیویس، ای سن هارد، بین گام، 2007: 481، سی اف وبوچانان، 1989: 496 و 498) در این بخش ما نشان خواهیم داد که چگونه برخی از چارچوب های شناخته شده در رابطه با تئوری را می توان به منظور رسیدگی در مشکلات کارآفرینی به کار برد. در ابتدا ما سطوح بلوغ را در حوزه کاری امان نزدیک می کنیم به عنوان اینکه آن دارای یک اثر نه فقط در چگونگی مدل هایی است که ایجاد و درک شده است بلکه همچنین به این علت است که چگونه ما می توانیم به مشکلات ناهمگنی دسترسی پیدا کنیم. دوم اینکه عملکرد منطق خلاف افراد را به طور فزاینده ای توضیح می دهیم. سوم، ما در مورد استراتژی های

برآورد اثر سببی خاص که مشتق شده و برگرفته از منطق خلاف است را بحث کنیم که 10 سال اخیر توسعه و گسترش یافته است.

#### 4/1 نظریه بالغ و در حال تولد

وقتی که ساختارها، ارتباطاتشان و منطق اساسی، کاملاً مشخص شد- وضعیت نظریه بالغ (کمال یافته) مطابق با نظریه ادمونسون و مک مانوس (2007؛ سی اف. زهرا، 2007) به طور مستقیم از این تئوری تبعیت می کند که متغیرها نیاز دارند که در برگرفته شوند و این که چگونه روابط شان می بایستی مدل سازی و طراحی شود. اگر تئوری به خوبی تثبیت شود، شرایط مرزی آن نیز به خوبی برقرار شود، به این معنی که تئوری همچنین نشان خواهد داد که با چه حوزه ها و یا نمونه هایی می بایستی مطالعه شود. در حالت افراطی تمام مشکلات ناهمگنی و راه حل هایشان می تواند به طور مستقیم از تئوری مشتق شود. در تئوری دیگری ادمونسون و مک مانوس (2007) وضعیت نظریه "در حال تولد" را قرار دادند، آن هم زمانی که دانش نظریه پدیده، ابتدایی یا ناموجود است. آشنایی فزاینده با پدیده از طریق کار کیفی احتمالاً مورد نیاز است به منظور اینکه حتی شروع به ساخت درکی از مشکلات ناهمگنی سببی و مشاهده نشده، داشته باشند که ممکن است وجود داشته باشد. ما بحث خواهیم کرد که در اغلب موقعیت های تحقیقاتی در مورد کارآفرینی، نقطه شروع درجایی بین این دو نقطه افراطی (منتها درجه) است. (سی اف، زهرا، 2007) چالش این است که به طور اتفاقی آن را به چنگ آوریم (یا به دست آوریم) که چه ناهمگنی وجود دارد و تعیین کنیم چه جنبه هایی از آن به ترتیب از نظر روش شناسی، سخت و از نظر تئوری جالب است. همچنین بحث شده است که "تست های ایده آل تئوری می بایستی فقط در تئوری، متغیرها را دربرگیرند" (شوگان، 2006: 203)

از این رو، واریانس های استخراج شده از منابع، خارج از حوزه نظری می بایستی رد شوند و یا کنترل شوند. برای اینکه در غیر آن صورت، منجر به تخمین مغرضانه از روابط سببی و مانع توسعه و پیشرفت تئوری است. بنابراین ما به ابزارهایی نیاز داریم که به ما اجازه دهد که تئوری را راجع به اثرات سببی و ابزارهایی ایجاد کنیم که اجازه می دهد که به نظریه تبدیل شود و طرح های پژوهشی موثر درجایی می تواند بهترین استفاده را دانستن دانش کنونی ما را که ناقص است، ایجاد کند.

#### 4/2 شناسایی منابع و اثرات خاص ناهمگنی



استدلال خلافی یا مدل نتایج بالقوه یک روش فزاینده رایج است تا طرح های تحقیقاتی و تئوری را ایجاد کند که بهتر قادر به ایجاد علیت هستند (پرل، 2000) استدلال خلافی، یک منطق از استنتاج است که نقش اصلی را در ایجاد علیت در حوزه ها و زمینه های مختلف بازی می کند. همانند دانش سیاسی (فیرون، 1991)، تاریخ (لی باو، 2000)، پزشکی (هافلر، 2005) و اقتصاد (هک من، 2000)

به عنوان یک نقطه شروع، ما میتوانیم یک تئوری را ایجاد یک گزاره راجع به  $x \rightarrow y$  فرض کنیم که ما مایلیم اندازه اثر سببی را برآورد کنیم و تخمین بزنیم. یک بحث خلاف براساس حول و حوش این سوال است که اگر یک رویداد E اتفاق بیافتد و اگر عامل C وجود نداشته باشد که ان این است که "اگر آن موردی بوده است که C باشد (یا نباشد)، آن موردی خواهد بود که E باشد (یا E نباشد)" خلاف، ادعایی را راجع به اتفاقاتی ایجاد میکند که اتفاق نمی افتادند. چنین گزاره ای، یک نقش اساسی و ابتدایی را در تلاشهای دانش اجتماعی بازی می کند تا فرضیه هایشان را در مورد علل پدیده هایی که آنها مطالعه میکنند، ارزیابی کند. استدلال خلاف به طور خاص مهم می شود، وقتی که ما دیگر نمی توانیم بر طرح آزمایشی تکیه کنیم. (پرل، 2000) تعریف علیت که علل بهم مرتبط اند، تا حدودی ناشناخته و شاید بی اندازه است و داده براساس مشاهده ای است که کمتر ساده و قابل فهم است و تبدیلیه یک دستاورد بزرگ می شود. استفاده از خلاف در تئوری و آزمایش فرضیه یک راه برای کاهش این مشکل است. استفاده از استدلال خلاف مهم است برای اینکه به ما اجازه میدهد تا بهتر به مسئله ای دسترسی پیدا کنیم که خیلی از مدل ها می توانند داده های مشابه را توضیح دهند و آن استدلال رسمی در مدل هایی است که علیت را تصمیم گیری می کند. به طور متفاوتی، بیان و اظهار شده است که در علوم اجتماعی، ما می توانیم الگوهای سببی مشابه را مشاهده کنیم اما ما می توانیم تفاسیر مختلف را به این الگوهای سببی تصور کنیم. منطق استنتاج این است که خلاف به ما اجازه می دهد تا با وضوح بیشتری، توضیحات مختلف نظری را بیان کنیم و این که تحت چه شرایطی آنها احتمالاً (ویانه) توضیح می دهند ما چه چیزی را مشاهده می کنیم. آن از طریق استفاده از منطقی است که ما می توانیم بگوییم چه متغیری نیاز است حضور داشته باشد تا به طو کامل استدلال علیت یا اثر دوطرفه را بررسی کند که چه متغیری می تواند برای ایجاد یک مدل صرفه جو، حذف شود. استفاده از خلاف باعث می شود یک اتصال شفافیت بین ماهیت تئوری، آزمون تجربی و مدل ایجاد شود و آنها باهم وابستگی متقابل دارند.

مزیت اصلی استدلال خلاف این است که پژوهشگر در توضیح اینکه چرا بعضی اتفاقات خاص E رخ داده است، نمی تواند به توضیح این که چرا E رخ داد بیشتر از دیگر نتیجه یا نتایج ممکن کمک کند. محققان لازم است که برای اینکه چه علتی خاص است، شفاف باشند و این که چرا می بایستی آن بر نتایج خاص تاثیر بگذارند و چه اتفاقی در عدم وجود علت حضور می افتاد؟ بعد از آن، استدلال خلاف است. استدلال خلاف، فقط به عنوان قانع کننده منطقی و شواهد ارائه شده توسط محقق پیش نهاد نشده است تا ارتباط بین مقدم فرض شده و نتایج مورد انتظار آن را اثبات و تایید کند (لی باو، 2000)

خلاف، نه تنها توسعه یک منطق استدلال در نظریه نیست، بلکه آن همچنین منجر به تصور یک استراتژی تحقیقاتی می شود که می تواند یک تایید تجربی را برای یک فرضیه سببی فراهم کند. اجازه دهید که فرض کنیم که ما می خواهیم آزمون فرضیه زیر را آزمایش کنیم: "C علت حادثه E است." دو رویکرد مکمل برای آزمایش این به صورت تجربی وجود دارد. روش اول این است که فرض کنیم C وجود ندارد و بپرسید آیا E میتواند (یا ممکن است) در مورد خلاف رخ دهد. این امر منجر به چهار نتیجه بالقوه مختلف می شود که در شکل 2 تصویر شده است که نیاز است در مدل امان بررسی شود. برای مثال ما می توانیم یک پیش نهاد تئوری را تصور کنیم که بیکاری احتمال شروع یک تجارت را افزایش می دهد برای اینکه آنهایی که با بیکاری مواجه می شوند دلیلی دارند که روش های جایگزین را جستجو کنند تا برای خود آنها ارائه دهند. رابعا، او III بر مواردی دلالت می کنند که مطابق با این توضیح است. وقتی که X (وضعیت استخدامی و اشتغال) تغییر میکند، Y (احتمال ایجاد راه اندازی) به خوبی تغییر میکند (ربع I). وقتی که هیچ تغییری در X وجود ندارد، هیچ تغییری در Y مشاهده نشده است (ربع III).

ربع دوم و چهارم موارد خلاف را تشکیل میدهند. در ربع دوم سوال این است که تحت چه شرایطی رابطه پیش نهاد شده ممکن است حفظ نشود؟ به عنوان مثال، چرا بیکار شدن منجر به افزایش احتمال کارکردن در خود اشتغالی نمی شود؟ ربع IV نتیجه نهایی را به تصویر میکشد. چرا کسب و کار شروع می شود در حالی که بیکاری وجود ندارد؟ از این رو، ما یک فضا از نتیجه ممکن با احتمالات مرتبط را ایجاد می کنیم. نظریه در اینجا این است که توضیح دهد تحت چه شرایطی و مواقعی بعضی از افراد احتمال دارد تایک ربع بیشتر از دیگری را پایان

دهد. اساساً، منابعی از ناهمگنی که ما نیاز داریم که با آزمایش فرضیه هایمان رو به رو شویم چه هستند که در آن بیکاری منجر به ایجاد یک شروع جدید می شود؟

تجزیه و تحلیل وتن از اجزای یک نظریه، یک راهنمای ممکن به شناسایی منابع از مشکلات عدم تجانس است. ارجاع به تعریف ما از تئوری در ایجاد تفسیر وتن از چه چیزی تشکیل شده است؟ از تئوری، در حالی که مرتبط با چگونگی است؟ منطق منسجم او مرتبط با چرا است؟ در حالی که چه کسی؟ چه زمانی؟ و کجا؟ مرتبط با مفروضات و حوزه هایی از کاربر نظریه است. در حالی که وتن (1989) فکر نمی کند چه کسی؟ چه زمانی؟ کجا؟ به عنوان محتمل ترین گزینه برای سهم قوی تئوری است.

ما استدلال می کنیم که این سوالات یک نقطه شروع خوب برای تعیین این نکته است که چه ناهمگنی ممکن است وجود داشته باشد و تعیین کننده این است که چه جنبه هایی از آن به ترتیب تلاش می کند تا در طرح دربرگرفته و حذف شود. ما این دیدگاه را به واسطه شرایط مرزی تئوری که اغلب به طور رضایت مندانه ای مشخص نیست، حفظ می کنیم. (دیویس و همکاران، 2007) سوالات چه کسی؟ چه زمانی؟ کجا؟ سوالات بزرگی هستند که راجع به نقش زمینه و محتوا هستند به عنوان مثال تحت چه شرایط متنی، روابط تئوری احتمالاً نگه داری می شوند و یا تغییر می کنند. آنها بنابراین فقط راجع به منابع ناهمگنی اطلاع نمی دهند بلکه همچنین از اثرات احتمالی از ناهمگنی و عدم تجانس هانند هستند. جانز (2006) یک بحث بسیار مفید از اینکه چه زمینه و محتوایی به روابط تجربی انجام شده است را ارائه می دهد. به صورت کوتاه زمینه (a) محدود و محدودیت (b) تاثیر بر نرخ پایه (c) تغییرات جهت سببی و علی (d) علائم معکوس (e) ایجاد تاثیرات منحنی (f) روابط مخاطره آمیز در راس. این عمدتاً راجع به ناهمگنی اتفاقی در میان زمینه ها و بستر هاست. جانز (2006) همچنین یک مقوله (g) تهدید اعتبار را اضافه می کند که ممکن است اضافی به نظر برسد همانند همه موارد بالا. همچنین جنبه های مختلف اعتبار تهدید شده است. اگرچه، وقتی که معنا و یا ارتباط مفهومی از خود ساختار - چه چیزی است؟ که از تئوری متفاوت است. ما یک مورد از فقدان ساختار هم ارز را داریم (سینگ، 1995)

حتی اعتبار نامساوی بر سطح تئوری. نتایج متنی در عباراتی از ساختار در هم ارزی همانند برجستگی ناهمگنی و عدم تجانس سببی، نیاز است تا به دقت زمینه را در نظریه پردازی و همچنین در استراتژی تجزیه و تحلیل و طراحی بررسی کند. مفاهیم وتن (1989) و جونز (2006) به موارد فرضیات ما راجع به بیکاری و شروع چندین تجارت در

احتمالات فعلی خودشان در ربع II استفاده می شود. در یک جامعه یا قشر اجتماعی که بسیاری از افراد از ابتدا ، مرفه شده اند ، ساختار "بیکاری" با مفاهیم مشابه در جریان اصلی جوامع ، معادل نیست. در جایی که چارچوب نهادی شامل مزایای بیکاری سخاوتمندانه و یا موانع اداری زیاد به تشکیل سازمان است ، روابط می تواند ضعیف و یا غیر موجود باشد. برای افرادی نزدیک به سن بازنشستگی ، در پاسخ به اخراج ممکن است به ندرت تجارت خودشان را راه اندازی کنند. نکته مهم اینکه اگر از نظر تئوری متغیرها متمرکز باشند وابسته به دیگر متغیرهایی هستند که اثر منفی بر  $\gamma$  دارند ، اثر مثبت  $X$  لزوما در برآورد تجربی ظاهر نمی شود. این در اینجا موردی خواهد بود که اگر شرایط اقتصادی، بیکاری را افزایش میدهد، نابراین کارآفرینی مبتنی بر ضرورت را نیز افزایش خواهد داد. و در همان زمان کارآفرینی مبتنی بر فرصت را از طریق کاهش تقاضای بازار کاهش خواهد داد. (سی اف، ونکرز، استل، توریک، رینولد، 2005، هامیلتون، 1989) این بینش اضافه شده به ماهیت احتمالی روابط ، نتایجی را برای نمونه برداری با دربرگیری متغیر و مدل سازی دارد. همانطوری که در بخش های بعدی بحث خواهد شد. آن همچنین میبایستی از این مثال واضح باشد که ژیمناستیک ذهنی و مخالف ، پتانسیلی برای بهتر تعریف کردن شرایط مرزی از تئوری دارد و یا برای غنی سازی آن با احتمالات جدید است ؛ برای مثال تمرین نتایجی را بر جنبه های اساسی تر از تئوری دارد. برای اینکه در عبارت وتن " نظریه پردازان نیاز دارند تا درک کنند چرا این خلاف قاعده وجود دارد؟ (وتن، 1989: 493) ما بحث خواهیم کرد که نتایج گسترش خواهد یافت ؛ چرا؟ این سوال خوبی است. بدیهی است مانند اکثر تحقیقات اجتماعی ما در مواجهه با پدیده ای هستیم که خیلی علل ممکن دارد. این ریشه مشکل ناهمگن مشاهده نشده است. اینها دیگر علت را برای مسائل ، مطرح میکنند ولی که آنها مرتبط با علت هایی هستند که ما یک سهم تئوری به آن داریم. بنابراین ، ماهیت تحقیقات سیستماتیک برای علل دیگر این است که متغیرهای مرتبط به آنها را پیدا کند که دیگر نیاز نیست در طرح تجربی دربر گرفته شوند یا همبسته به  $X$  (یا به طور درست تری با  $X'$ ) و از طریق ثابت نگه داشتن، تصادفی و رندوم کردن و یا مطابقت با آن ، ساخته شوند. اگر آنها واقعا غیر قابل اندازه گیری باشند ، ممکن است هنوز بخواهیم تا انحراف و بایاس بالقوه را ارزیابی کنیم. آنها دوباره از طریق میانگین غیر مستقیم به وجود می آیند. این بعدها در بخش های بعدی متعاقبا بحث خواهد شد.

### 4/3) استراتژی هایی برای برآورد اثر سببی

اکنون باید روشن شود که مابیشتر علاقه مند به شناسایی نسبت به استنباط آماری هستیم. ماتاکنون دوعبارت را ایجاد کرده ایم. اول، نظریه کارآفرینی که به طور عمومی بسیار کامل نیست. این به این معنی است که ما دانش محدود شده ای از مکانیسم مختلف سببی داریم که به آنها علاقه مند هستیم. دوم اینکه ما اعلام کرده ایم که تفکر خلاف یک ابزار مفید برای این است که فکر کنیم که چگونه علیت می تواند از داده های مشاهده نشده استنباط شود. بحث و استدلال سوم از نتایج دوم مشتق شده و به دست آمده است. همانطوری که کارهای مشابه جوری و پیرل (2000) را معرفی کرده ایم که یک مجموعه ای از قواعد را برای نمایش روابط سببی با تئوری گراف توسعه و گسترش داده ایم. ما قصد نداریم که یک معرفی کلی را به کارش ارائه دهیم. ما فقط تصمیم به معرفی اساسی ترین مولفه از این کار به منظور اشاره به قدرت و استحکام عظیم این کار داریم که به ما کمک می کند تا استراتژی های بهتری را برای استراتژی های اثر سببی توسعه و گسترش دهیم. پیرل (2000)، از تئوری گراف به جای نمادگذاری ریاضی استفاده می کند به دلیل اینکه آن یک درک بهتری از روابط علت و معلول را فراهم میکند. همانطوری که آن برخی از ابزارهای مهم را ارائه می دهد تا تصمیم بگیرد چه متغیرهایی در مدل دربرگرفته می شوند و چرا؟ ایده این است که ما یک جهان از متغیرهایی داریم که بر  $X$  و  $Y$  تاثیر می گذارند که به طور گرافیکی نمایش داده می شوند. با دادن نمایش گرافیکی از ساختار سببی، کدام متغیرها می بایستی مشاهده شوند و سپس در آنالیز و تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شوند تا اندازه اثر سببی از  $X$  بر  $Y$  برآورد کنند و تخمین بزنند؟ استفاده از تئوری گراف منجر به دو مزیت مهم می شود که به ما اجازه می دهد تا بهتر به سوالات فوق جواب دهیم. در ابتدا چارچوب و ساختار خودش به طور کامل غیر پارامتری است. از این رو لازم نیست تا ماهیت روابط سببی بین  $X$  و  $Y$  را تعیین کنیم (خطی، درجه دوم و یا چیز دیگری)  $X$  فقط باعث  $Y$  می شود. این توجه آشیل از تجزیه و تحلیل مسیر سنتی را حذف می کند که نیاز دارد تا این نوع از فرضیه را بسازد. مدل های سببی بنابراین برای دسترسی آسان تر می شوند. دوم اینکه پیرل نشان می دهد که سه استراتژی اصلی وجود دارد تا اثر سببی را شناسایی کند، آنها عبارتند از شایسته سازی بر متغیرهایی که تمام درهای عقبی را مسدود میکند (به عنوان مثال، طبقه بندی، تطبیق، وزن و رگرسیون) شایسته سازی بر متغیرهایی است که برآورد توسط یک مکانیسم را اجازه می دهند (آنالیز میانجیگری) و برآورد اثر سببی توسط یک متغیر ابزاری است که یک علت خارجی نسبت به علت است. استراتژی اول این است که منابع ناهمگنی ناخواسته را توسط فراخوانی به معیار "در عقبی پیرل" با استفاده

از تئوری موجود و اندازه گیری برای کنترل این منابع، حذف کنیم.(ناهمگنی سببی و اعتبار افتراقی)وتمام مسیرهای درب عقبی از متغیرهای سببی به متغیر نتیجه کنترل شده است.این استراتژی، شایسته سازی ساده نامیده می شود.استراتژی دوم از میانجیگری این است که یک مکانیسم مجزا و جامع را برقرار کند که مرتبط با متغیر سببی(X) به متغیر نتیجه (Y) است و سپس اثر سببی را محاسبه می کند به عنوان اینکه آن از طریق مکانیسم انتشار می یابد.استراتژی سوم این است که از یک متغیر ابزاری برونی استفاده کند تا کوارینانس در متغیرهای سببی و نتیجه را مجزا کند.(مورگان و وین شپ،2007) یک معیار تصمیم گیری مهم در چگونگی این مطلب است که روابط سببی را آزمایش و مدل سازی کند که از منابع مهم ناهمگنی هستند.شناخته شده ترین استراتژی و استفاده شده، شایسته سازی ساده است.اگرچه ، نکته این است که استفاده از تئور گراف در ترکیب با دانش رایج به محققان اجازه می دهد تا بهتر تخمین بزنند که چه متغیرهایی را حذف می کند و دربرمیگیرد و چرا؟ متعاقبا بهترین رویکردهای آنالیز، اندازه گیری و طراحی که به دنبال آن می آید کدام است؟ در این بخش ما بحث می کنیم که چگونه تئوری و نظریه پردازی می تواند استفاده شود تا با مشکلات ناهمگنی مواجه شود؟ به طور خاص، مشکلات ناهمگنی مشاهده نشده و ناهمگنی سببی. درجدول 1 ما توصیه هایمان را خلاصه می کنیم.

### 5)مواجهه با ناهمگنی(عدم تجانس) در طرح

از بسیاری از منابع و اشکال ناهمگنی مورد بحث تاکنون می بایستی واضح و روشن باشد که راه حل شفاف و آشکار به این مسئله ناهمگنی و عدم تجانس همه متغیرهای تاثیرگذار را دربرمیگیرد و آنها را به درستی اندازه گیری می کند و مدل مناسبی برای همه روابط بین آنها که به سادگی هم قابل دسترس نیست، پیدا می کند.نه ممکن است که آن مطلوب باشد و نه به نفع صرفه جویی و سادگی است. یک دلیل برای ترجیح نظریات ساده تر این است که چنین تئوری هایی محدود تر اند و بنابراین بیشتر باطل می شوند.یک مدل صرفه جو تاکنون هماهنگ نشده است که اگر مطابق با داده باشد اعتبار آن را افزایش دهد.(پیرل،2000، پوپر،1959) از این رو، طراحی با هدف ایجاد یک وضعیت که در آن تاثیر یک متغیر خاص و یا مجموعه محدود شده ای از متغیرها می تواند بدون تاثیر بالقوه نگران کننده ای از دیگر متغیرها مطالعه شود. ماسه استراتژی را برای رویکردهایی که ایده آل را بحث می کنیم:

1) به کارگیری و استفاده از تجربه دیگر رویکردهای کنترل شده با استفاده از داده مصنوعی

2) بهره‌برداری از موقعیت های جهانی واقعی آزمایش مانند

3) کاهش ناهمگنی از طریق نمونه گیری از یک یا چند زیرجمعیت که به طور نسبی با ناهمگنی داخلی بالا، مشخص شده است.

این سه طرح تحقیقاتی، مثال هایی هستند بر اینکه چگونه شایسته سازی بر متغیرها، درهای عقبی از روابط سببی را قفل می کند که می تواند تخمین زده شود.

ما در اینجا یک دانش نظری خوب و قابلیت دسترسی به اندازه های خوب را فرض می کنیم. وقتی که همگنی مشاهده نشده یک مشکل است، پس استفاده از طرح های طولی یک حفاظت مهم را اجازه می دهد. طرح های طولی به جزییات در بخش های مربوط به تکنیک های آنالیز بحث شده است.

### 5/1) آزمایش و دیگر روش های تحقیقات آزمایشگاهی

کاهش ناهمگنی در قلب تحقیقات تجربی قرار گرفته است. از طریق دست کاری متغیر (های) کانونی تبیینی (تلاقی) و تصادفی و رندوم کردن و یا ثابت نگه داشتن متغیرها از دیگر تاثیر هاست. آزمون گر میتواند مشکل ناهمگنی مشاهده نشده را از بین ببرد. در عمل، آزمایش احتمالا مشکلات ناهمگنی سببی و اعتبار ناهموار را کاهش می دهد که به دلیل کاهش پیچیدگی در زمینه تحقیقاتی است. با این حال، استفاده از آزمایش در تحقیق کارآفرینی محدود شده است. کندلرو کیون (2001) و بوکنگو و همکاران (2007) هر دو 4 درصد گزارش مطالعات انجام شده از یک رویکرد تجربی را شاید در کمتر از یک درصد بر اساس آزمایش های آزمایشگاه استفاده کرده اند.

با برخی از خلاقیت ها، یک طیف وسیعی از مسائل کارآفرینی میتواند از طریق آزمایش و دیگر روش ها با استفاده از کنترل آزمایشگاهی عنوان شود. (بارون، 2006؛ بارون و وارد، 2004؛ اسکاد، 2005) برای مثال دین شیپرد کار تجربی حمایت شده را با استفاده از تجزیه و تحلیل متقارن و دیگر روش های آزمایشگاهی به دیگر موضوعاتی که مطالعه آن دشوار است، عنوان کرده اند؛ همانند تشخیص فرصت، اثرات احساسات (بروندین، پاتزلت، شپهرد، 2008 و گرگوری، بار و شپهرد، آینده؛ شپهرد و دتین، 2005؛ شپهرد و زاکاراکیس، 1998) به طور مشابه، گوستافسون (2006) کارآفرینان تازه کار و کارشناسان را از طریق آزمایش مقایسه کرده اند که تا حد زیادی از گزاره نظری هاموند (1987) حمایت شده است که کارشناسان این توانایی را دارند که شیوه تصمیم گیری اشان را با سطح عدم قطعیت مرتبط با سرمایه گذاری خاص، تطبیق دهند. در حالی که تازه کاران تمایل دارند که رویکردهای

مشابه را بدون توجه به ویژگی های وظایف به کار بگیرند. این مطالعات آزمایشگاهی به طور رایج هستند که آنها به طور نسبی، سوالات خاصی را ایجاد می کنند که احتمالاً قابل تکرار هستند. علاوه بر آن، ساراسواتی (2008 و 2001) تئوری تاثیرگذار را از طریق کار آزمایشگاهی غیر تجربی، توسعه و گسترش داده اند. اما حفظ بسیاری از ناهمگنی ها، ویژگی های کار تجربی را کاهش میدهد به این عنوان که او کارشناسان کارآفرینی دارد که با صدای بلند راجع به فرصت های برابر بیشتر از مطالعه هر پیگیری از طرف خودشان و سرمایه گذاری ویژه، فکر میکنند. شبیه سازی، نوع دیگری از زمینه کنترل شده برای توسعه و تست ایده های نظری پیشنهاد می دهد. مطابق با نظریه دیویس و همکاران (2007: 483) " شبیه سازی به ویژه برای پیشرفت تئوری مفید است که پدیده های قانونی فرآیندهای متعدد و تعاملی چندگانه، تاخیر زمانی و دیگر اثرات خطی همانند حلقه های بازخورد و آستانه را در برمی گیرد. " - یک خصوصیت که ما استدلال می کنیم تناسب خوبی با واقعیت کارآفرینی دارد. مطالعات توسط مارس (1991)، نلسون و وینتر (1982) مثالهای مشهوری از چگونگی این رویکردهاست که مرتبط با کارآفرینی کاربردی است. یک گزینه محدودتر، مثالی نزدیک تر به هسته کارآفرینی است که توسط فیت، پیسکونو و پاتل (2005) ارائه شده است. ما میخواهیم استفاده فزاینده از آزمایش و شبیه سازی در تحقیقات کارآفرینی را حداقل گامی به سوی تعیین اعتبار داخلی در یک رویکرد "چرخه کامل" به ساخت شواهد در چنین رویکردی، تشویق کنیم. محقق در ابتدا شناسایی مشکلات مربوطه را در حوزه و زمینه مورد نظر مورد هدف قرار میدهد و سپس ویژگی های مشکل را کاهش می دهد به طوری که روابط نظری بتواند در یک حوزه آزمایشگاهی، آزمایش شود. وقتی شواهد مثبت حاصل شد، تحت تایید شرایط کنترل شده ای در بیشتر حوزه ها همانند زندگی واقعی می تواند جستجو شود. (کیالدینی، 1980؛ بتمن و فلاین، 2005) این رویکرد می تواند به جلوگیری از عدم پیشرفت در تحقیق بر روی پرسش های جدید ناشی از نتایج متناقض کمک کند که به نوبه خود به دلیل مشکلات قریب به اتفاق ناهمگنی است.

## 5/2 بهره برداری از موقعیت های آزمایش مانند

به دلایل علمی یا اخلاقی، بسیاری از مشکلات تحقیق کارآفرینی نمی تواند به طور آزمایشگاهی مورد مطالعه قرار بگیرد. برای مثال، ما نمیتوانیم دولت ها را وادار کنیم تا به طور سیستماتیک، چارچوب نهادی را در مناطق با توجه به طرح های آزمایشی تغییر دهند که باعث می شود افراد و تجارت در مناطقی باقی بمانند که به طور تصادفی به



آنها اختصاص داده شده است و از آنها انتظار دارند تا اگر آن یک تغییر نهادی دائمی و متحدالشکل نسبت به یک آزمایش باشد، عمل کنند که آن این است که اغلب محققان بخش کارآفرینی می بایستی بر مطالعات مشاهده شده تکیه کنند. اینها از آزمایشات متفاوت هستند که محقق نمی تواند واگذاری و تخصیص رفتار به موضوع را کنترل کند (روزنام، 2002) یک راه جزیی، مخصوصا به مشکلات عدم تجانس مشاهده نشده-سپس بر روی افرادی که به خوبی تعریف شده اند کار میکنند که به طور برونی از آنها رفتار مشابه را دریافت می کنند. تحت چنین شرایطی، افرادی از جمعیت نمی توانند انتخاب کنند که آیا آنها آن رفتار را دریافت می کنند بلکه آنها می توانند انتخاب کنند که چگونه به آن واکنش نشان دهند. از این رو مشکل خود انتخابی وجود ندارد (هک من، 1979: 2000)

یک مثال ظریف تاکید می کند که چگونه یک گروه از اشخاص متفاوت به رفتارهای مشابه واکنش نشان می دهند. مطالعه شین (2000) از همه سرایه گذاری ها (و بنیانگذارانشان) در ارتباط با نوآوری تکنولوژی اساسی مشابه است. با نگر داشتن و حفظ نوآوری ثابت اصلی و دربرگیری جمعیت کل (که همه آنها از دانشگاه همانند می آیند) خطر نتایج تحریف ناهمگنی اندازه گیری نشده می تواند کاهش یابد. این مطالعه شواهد قانع کننده ای را فراهم می کند که دانش قبلی مهم است در تعیین اینکه چه ویژگی هایی فرصت های تجاری کارآفرینان را کشف خواهد کرد و یا تحت شرایط مساوی در غیر این به موفقیت خواهد رسید.

تراژدی ها همانند آنهایی که بلایای طبیعی هستند مانند توفان کاترینا و روز بوکس سونامی، فرصت های تحقیقاتی کارآفرینی را فراهم میکنند (دیکسون و کانگاراچی، 2006 و رونیان، 2006). برای مثال، مقایسه کارآفرینان (صاحبان کسب و کار و یا بنیانگذاران) با دیگران (مدیران یا جمعیت عمومی) معمولا عوامل گیج کننده ای هستند که باعث می شوند افراد، تلاشهای کارآفرینی را با آن فاکتورها و عوامل به کار بگیرند و باعث شوند آنها به ترتیب در چنین وظایفی، باقی بمانند و موفق شوند. (دیوید سن، 2004: 70)

شرایط قبل از حادثه، یک زمینه پاک کننده ای برای پرداختن به موضوع خاص از تداوم کارآفرینی را ارائه می دهد. گالبریت و استایلز (2006) برخی از نتایج را در آن موضوع خاص ارائه کرده اند. شرایط طبیعی که در آن موارد بر یک متغیر تغییر می کنند، می توانند تصور شود که ناهمبسته به دیگر متغیرهاست. به طور مشابه، رندوم کردن و تصادفی کردن در یک آزمایش، یک تنوع در این موضوع است.

به عنوان مثال در اینجا، تحقیق بر تاثیر سود ثروت باد آورده در ورود به موسسه انفرادی است. این تحقیق علاقه مند است که بداند چگونه محدودیت نقدینگی مانع ورود به موسسه انفرادی است. برنده قرعه کشی به صورت تصادفی در میان شرکت کنندگان در قرعه کشی توزیع شده است. بنابراین مشکلی در خود انتخابی وجود ندارد و محققان می توانند استدلال کنند که اثر رفتار نسبت به مدل برون زا است. لیندا ولسون (1996) و تیلور (2000) هر دو دریافتند که برنده بودن در قرعه کشی، احتمال ورود به خود اشتغالی را افزایش می دهد. اهمیت این یافته ها می بایستی در زمینه های بیشتر دیگر- که کمتر کنترل شده- درک شود همانند تحقیق مشاهده بر روی گرایش کارآفرینی که یک عدم حضور شگفت آور از اثرات متغیرهای مالی است. (دیویدسن، 2006؛ کیم و آلدریچ و کیستر، 2006)

این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی